

نوشته شده توسط: م. ع. اطرافي

واکنش و وظایف مبرم افغانها در قبال اهداف نهفته جنگ تروریسم

ضرب المثل محلي است که میگوید "گال را گنجشک خورد ضربه آنرا بودنه دید". در حادثه یازدهم سپتامبر بن لادن، القاعده و اعراب تربیه یافته چریکی در پاکستان مجرم شناخته شده اند که نظر به اعلامیه دولت مردان امریکا در رأس آن بن لادن قرارداداشت و یکتعداد کدرهای فعال القاعده که در حادثه یازدهم سپتامبر سهم و اشتراك داشتند از جانب دستگاههای امنیتی امریکا دستگیر و در زندانها بسر میبرند. آقای جورج دبلیو بوش برای دستگیری زنده و یا مرده بن لادن میلیون ها دالر جایزه گذاشت. اما بن لادن توانست بعد از فرار از افغانستان در ماورای خط دیورند از نظر سازمان استخباراتی امریکا (سی - آی - اِ) و انظارجهانیان خود را مخفی و پنهان سازد. پل پای بن لادن را از امریکا به ولایت کندهار افغانستان ردیابی کردند اما ۹ سال میشود که رد پای بن لادن و القاعده را کسی در آنطرف خط دیورند پیدا کرده نتوانست تا به جنگ تروریسم برای همیشه خاتمه داده میشد و جان جوانان امریکا، اروپا و سایر کشورها، مردم افغانستان و پاکستان که در جنگ تروریسم کشته میشوند نجات داده میشد و صلح و امنیت در افغانستان و منطقه برقرار میشد.

اما گاه گاهی بن لادن در اوقات و مراسم خاص از مخفی گاه خود بیرون آمده در معرض کامره های تلویزیونی نمایان میشود و اعلامیه های خود را از طریق تلویزیون ها به نشر میرساند و به جهانیان این پیغام را میرساند که بن لادن زنده است و هیچ قدرت توان دست گیری وی را ندارد. تا به حال مخفی گاه بن لادن را نه جایزه میلیون دلری و نه تلاش سازمان استخباراتی امریکا (سی - آی - اِ) و نه کشورهای ناتو پیدا کرده نتوانسته است. اما جنگ تروریسم که هرروز از پاکستان به افغانستان صادرگردیده و میگردد و بر کشورما تحمیل شده و میشود به شدت جریان دارد.

عملیات های نظامی پر زرق و برق آمریکا و ناتو علیه تروریسم در افغانستان بخصوص در مناطق پشتون نشین، در جنوب و شرق افغانستان که از قبل اعلام میشود بر خسارات، تلفات و رنج های مردم افغانستان بیشتر افزوده است که هیچ نتیجه ملموسی از آن ها تا به حال بدست نیامده است.

اگر به سوابق جنگ های منطقوی و جهانی در ادوار گذشته تاریخ نظر اندازی شود اکثر جنگ های مذکور اهداف اقتصادی و استعماری داشته که به آن صبغه صلیبی، امنیتی، سیاسی و دفاعی داده شده و تحت همین شعارها برآه انداخته شده است.

اما تروریسم بدون تعریف و تشخیص که پدیده مولود قرن بیست و یکم میباشد نام آنرا طالب گذاشتند که صبغه مذهبی و صلیبی پیداکنند در افغانستان در پیشاپیش زمانی برآه انداخته شده که اخیراً منابع زیر زمینی آن به تریلیون ها دالر سروی و برملا شده است. از جانب دیگر موقعیت ستراتیژیک افغانستان از لحاظ نظامی، شاهراه سوق الجیشی و ترانزیتی اموال بین شرق و غرب، شمال و جنوب و تمدید پایپ لاین های نفت و گاز از آسیای میانه از اهمیت خاص ستراتیژیک برخوردار است که توجه غول های سرمایه داری شرق و غرب، منطقوی و جهانی را بخود جلب کرده است که هرکدام آنها به نحوی از انحا در افغانستان و اطراف افغانستان حضور و یا نفوذ دارند و در رقابت های مخفی و علنی در تلاش حصول اهداف ستراتیژیک شان هستند که افغانستان و منطقه را به نقطه داغ تصادم قدرت های جهانی مبدل ساخته که کفاره آنرا مردم افغانستان هرروز با خون و جان شان میپردازند. تروریسم هم در مناطق حاصل خیز نفت و گاز و منابع زیرزمینی دست ناخورده جهان تولد، نش و نمو کرده است. در مناطقی که نفت و گاز و ذخایر معدنی و اقتصادی وجود ندارد اثری از تروریسم هم دیده نمیشود. این خود واضح میسازد که تروریسم و منابع اقتصادی باهم رابطه تنگاتنگ دارند. تروریسم و انتی تروریسم در همین مناطق بیرحمانه باهم میجنگند و جان و مال مردم و حاکمیت ملی افغانستان و کشورهای منطقه را بمخاطره و تهدید جدی مواجه ساخته است.

در چنین حالات بغرنج و پیچیده که حاکمیت سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی کشور ما زیر چالش و سوال است واکنش و وظایف ما افغانها در برابر جنگ تروریسم تحمیل شده و اهداف نهفته آن چطور هست و چطور باید باشد؟

در حال حاضر مردم ما بسوی قوای مسلح افغانستان چشم دوخته اند تا صلح و امنیت را در کشور تأمین نمایند. اما اردوی نو تأسیس و غیرمجهز با سلاحهای عصری زمینی و هوایی مورد نیاز، قدرت جنگ مستقلانه را در برابر تروریسم ندارند، ناگزیر هستند تحت پلان و قومانده امریکا و ناتو که اهداف ستراتیژیک خود را در افغانستان و منطقه دنبال مینمایند با تروریسم بجنگند. نام اردوی افغانستان ملی گذاشته شده اما از خود ستراتیژی مستقل ملی ندارد که از اهداف ستراتیژیک و ملی افغانستان دفاع نماید و یا در باره جنگ و صلح در افغانستان مستقلانه تصمیم بگیرد. از جانب دیگر تحریکاتی در داخل و خارج کشور صورت میگیرد که جنگ تروریسم در افغانستان دوامدار تر شود.

هم امریکا و ناتو و هم مخالفین ستراتیژیک منطقوی و جهانی امریکا و ناتو ادامه جنگ در افغانستان را به نفع شان میدانند. امریکا و ناتو به این فکر و باور هستند که در نهایت امر در این جنگ پیروز میشوند. جبهه مخالف امریکا و ناتو اوضاع را چنین ارزیابی مینمایند که امریکا و ناتو در جنگ عراق و افغانستان در انظار مردم منطقه و جهان بحد کافی اعتبار و حیثیت خود را از دست داده و در ادامه جنگ فرسایشی و خشونت بار درگیر مانده و این امپراطوری غول پیکر جهانی که در محاصره ترانزیتی، انتقالاتی و اکمالاتی قرار دارند مانند اسلاف شان با تحمیل خسارات هنگفت مالی و تلفات مزید سربازان شان و ریختن خونهای بیشتر مردم بیگناه افغانستان بالاخره بزانو می افتد.

گاهی قدرت های کلیدی و اتمی جهان که منابع اقتصادی کشور های اشغال شده را به تنهایی خورده نمیتوانند در خفا بایک دیگر معامله و جور آمد مینمایند و با یک دیگر همکاری کرده امتیاز میدهند. معلوم نیست که در جنگ افغانستان چنین معاملات مخفی صورت گرفته است یا خیر!

نظر به چشم‌دید و برداشت مردم در جبهه تروریسم چهار گروه فعالیت دارند: ترورستان طرفدار امریکا، ترورستان طرفدار انگلستان، ترورستان طرفدار پاکستان، ترورستان طرفدار رقبای منطقوی مخالف اشغال افغانستان. در کنار این چهار گروه، افغان‌های ضد جنگ و اشغال که در جنگ‌های تروریسم و انتی تروریسم و بمباران‌های هوایی قوای خارجی اعضا فامیل و هست و بود شان را از دست داده اند نیز می‌جنگند تا قوای خارجی را از افغانستان اخراج نمایند و صلح و امنیت را در افغانستان مستقر سازند. دوام این وضع و حالت به نفع افغانستان نیست. باید به این جنگ تحمیل شده و غیرعادلانه خاتمه داده شود. بعوض جنگ راه صلح در پیش گرفته شود.

وحدت نظر و هدف مشترک ملی هم بین رهبران سیاسی، حزبی، دینی، مذهبی و قومی افغانستان وجود ندارد که یک جبهه متحد ملی سراسری صلح را سازمان میدادند و بحران خونین افغانستان را از طرق مذاکره، مفاهمه، مصالحه و سیاسی حل و فصل میکردند و به جنگ و خون ریزی برای همیشه در افغانستان خاتمه می‌بخشیدند و بالای ذخایر عظیم معدنی شان کنترول و نظارت پیدا میکردند. از دولت افغانستان هم توقع برده نمیشود که این کارها را انجام بدهد به علت که خود در فساد اداری تا گلو غرق شده است و گروه‌های مافیایی و حامیان کشور‌های خارجی در دولت افغانستان تسلط دارند. از جانب دیگر دولت به کمک‌های مالی، نظامی و امنیتی قوای خارجی وابستگی دارد و در گروه قوای خارجی قرار گرفته و خود مستقلانه تصمیم گرفته نمیتواند.

یگانه راه که باز مانده این است که خود مردم در داخل و خارج کشور ابتکار عمل را بدست گرفته زمینه را برای مبارزات دوامدار مسالمت‌آمیز و صلح‌آمیز مساعد و آماده سازند و در محلات خود کمیته‌های صلح و همبستگی را ایجاد نمایند. از طریق ویب‌سایت انترنتی "جنبش صلح و همبستگی" که باید ساخته شود ارتباطات کمیته‌های سراسری صلح و همبستگی را در داخل و خارج کشور تأمین نمایند. جنبش صلح و همبستگی میتواند به حالت سکوت، خاموشی و بی‌تفاوتی مردم خاتمه داده از منافع و

مصالح علیای افغانستان دفاع و حراست نماید. این کمیته های محلی مانند حلقات زنجیر با هم وصل میشوند و جبهه متحد ملی و سراسری را بوجود میآورند. با واکنش ها و مبارزات مسالمت آمیز و صلح آمیز شان استخراج غیر مجاز، غیر قانونی و غیر عادلانه معادن و فعالیت های جنگجویانه ترورستان، جنگ افروزان و استعمارگران نو مافیایی را در افغانستان محدود، محصور و مهار میسازند.

هموطنان گرامی و عالیقدر! ما بسیار چیز هارا در خاموش ماندن و بی تفاوت ماندن از دست داده ایم: بعد از سقوط دولت دکتور نجیب اله و در دوره زعامت پروفیسور حضرت صاحب صبغت اله مجددی و خلف شان پادشاه گردشی در افغانستان رخ داد. همه دارایی های منقول دولتی، ملی و شخصی افراد و اکثریت سلاح ها، مهمات، تجهیزات تانکها، طیارات و راکتهای اردوی افغانستان به یغما برده شد که صدها میلیون دالر ارزش داشت و در پاکستان بفروش رسانیده شد. هیچ کس جلو آنرا نگرفت حتا صدای خود را هم کس بلند نکرد بخاطریکه ما همه جریانات را در خاموشی و بی تفاوتی نظاره میکردیم. ملیارد ها دالر کمک های بین المللی غرض اعمار، باز سازی و اسکان مجدد مهاجرین افغان از جانب دوستان افغانستان کمک شده بود توسط داخلی ها و خارجی ها حیف و میل و تاراج گردید باز هم جلو آنرا کس نگرفت و صدای خود را هم کس بلند نکرد علت آن خاموشی و بی تفاوتی میباشد.

افغانهای صادق، وطن دوست و شخصیت های ملی هم به این نکته راضی و قانع شدند که خود در این فجایع شرکت ندارند و آنچه را که دیگران میکنند به ایشان ارتباط ندارد. گاه گاهی به انتقاد از گذشته و عمل کرد دولت از قدرت قلم خود کار گرفته حقایق را افشاء و به مردم بیان میکردند. اما هیچگاه در فکر و اندیشه اتحاد و وحدت سراسری ملی نه شدند و برای چنین هدف والای ملی در بین مردم و حلقات و گروه های مخالف سیاسی و اجتماعی کشور کارهای مؤثری را سازمان ندادند و راه بیرون رفت از این بحران عدم اعتماد را جستجو و تدارک ننمودند.

حال ما باید از تجارب تلخ گذشته بیاموزیم و در جستجوی آن براییم تا يك راه درست و واحد را انتخاب نماییم که مارا بسوي اهداف مشترك ملي مان متحد، سوق و هدایت نماید.

ذخایر معدني افغانستان که تریلیون ها دالر ارزش دارد و در معرض دستبرد و عقد قرارداد هاي تحميلي و استثمارگرانه قرار گرفته است، باز هم درقبال آن باید خاموش و بی تفاوت بمانیم و آنرا نظاره کنیم؟ این سوال متوجه هرفرد افغان میباشد که جواب آنرا جستجو نموده راه حل آنرا خود بیابدو یا بادیگران مشوره کند.

نسلهاي آینده که با خاموش ماندن و بی تفاوت ماندن نسل فعلي حقوق و اسهام ذخایر معدني شان را نیز ازدست خواهند داد، مارا بی احساس، بی اعتنا و غیر مسئول به منافع و مصالح ملي محکوم نخواهند کرد!!!

اگر يك مرغ شخصي ما گم شود چندین دروازه همسایه ها را دق الباب میکنیم و به سراغ مرغ خود میبراییم تا مرغ خود را پیدا کنیم. اگر سه (۳) تریلیون دالر ارزش ذخایر معدني افغانستان بالاي سي (۳) ملیون نفوس افغانستان تقسیم شود هر فرد افغانستان را مبلغ یکصد هزار دالر معادل چهارونیم الي پنج ملیون افغاني حق میرسد. و اگر این معادن خودرا با شرکت هاي خارجي مناصفه قرارداد کنیم بازهم سهم هر افغان بنچاه هزار دالر میرسد. ما در برابر این همه ذخایر عظیم اقتصادي خود چطور خاموش، بی احساس و بی تفاوت مانده میتوانیم!!

علما، دانشمندان، نویسندگان، قلم بدستان و جوانان افغان! پیش آهنگي جنبش صلح و همبستگی افغانها را شما بعهده بگیرید. مردم افغانستان خواب دیر دارند زود بیدار میشوند. اگر بگذاریم که بخودي خود بیدار شوند بیم آن میرود تا آن وقت همه ذخایر معدني شان در قرارداد هاي تحمیل شده حیف و میل شده باشد. باید مردم خود را بسر وقت بیدار کنیم تا از ذخایر معدني و تمامیت ارضي شان که در این اواخر زیر سوال قرار گرفته حراست و حفاظت نمایند.

گذاشتن سرنوشت افغانستان و دارایی های آن را بدست حلقات مافیای و گروه های افراطی نژادی و مذهبی حاکم، ملوث به فساد اداری و آزمون شده يك خبط تاریخی میباشد.

هموطنان عزیز! باید همه اخلاقات ایدئولوژیکی، مذهبی، قومی و نژادی، سمتی، مرامی و سازمانی رادر شرایط کنونی کنار بگذاریم و همه ما مشترکاً از ذخایر عظیم معدنی خود حفاظت و حراست نماییم که يك هدف بسیار بزرگ و مشترك ملي است که بدیل دیگر ندارد و به سرنوشت حال و آینده مردم و کشور ما حیثیت حیات و ممت را دارد. .

با این گام تاریخی که ما میبرداریم به جهانیان ثابت میسازیم که سرزمین افغانستان هم از خود مالکی دارد و مردم افغانستان از منابع اقتصادی شان دفاع و حراست مینمایند، و گذارش جان سمپسن ژورنالیست مشهور و کهنه کار انگلستان را خنثی میسازد که در کتابی تحت عنوان " اخبار از سرزمین لا مالک به جهان گذارش داده میشود"

" News From No Man's Land, Reporting the World " به طبع و نشر رسانیده که ذهنیت جهانیان را در باره افغانستان تا حدودی مغشوش ساخته است. آقای جان سمپسن به تاریخ مراجعه کند، اگر افغانستان مالک نمیداشت در سه جنگ با انگلستان، امپراطور وقت را شکست داده نمیتوانست. مردم افغانستان مالک کشور خود هستند اگر دولت های افغانستان آسیب پذیر میشوند.

هموطنان عزیز و گرامی! امروز ما در معرض يك آزمایش تاریخی قرار گرفته ایم که چطور ما میتوانیم کشور خود را از کام غول های سرمایه و بحران خونین نجات داده و منابع و ذخایر معدنی و اقتصادی خود را تحت کنترل و نظارت خود بیاوریم. راه جنگ دیگر برای ما مقدور نیست ما در جنگ هیچ چیزی بدست آورده نمیتوانیم بلکه این جنگ افروزان و استعمارگران منطقوی و جهانی هستند که در جنگ افغانستان ذینفع هستند که این جنگ مصنوعی را بخاطر بهره برداری و دستبرد منابع عظیم اقتصادی بر کشور ما تحمیل کرده اند. یگانه راه مقدور برای ختم جنگ در افغانستان از راه مبارزات مسالمت

آمیز و صلح آمیز میسر شده میتواند که رسیدن به این هدف بدون پشتوانه و حمایت مردم غیرممکن میباشد. چطور ما میتوانیم مردم خود را در راه صلح و همبستگی بیدار، متحد و بسیج نماییم؟ موضوع بدین وسیله به مناظره و مباحثه هموطنان گرامی گذاشته میشود.

توقع می‌رود هموطنان ما نظریات، مشوره‌ها و پیشنهادات شانرا از طریق ویب سایت آریایی به نشر بسپارند تا هموطنان ما از آن آگاه و مستفید شوند و در ایجاد کمیته های محلی صلح و همبستگی در محلات و مناطق شان اقدام نمایند تا اتحاد و هم آهنگی سراسری ملی بین کمیته ها بوجود آید و افغانها بتوانند به اهداف وحدت ستراتژیک ملی شان نایل آیند. این کار آسان و همگانی به نظر میرسد. اگر طرح بهتر دیگری وجود دارد مطرح شود. باید یک راه درست و مستقیم را که مورد قبول همه افغانها باشد تشخیص و انتخاب کرد تا زمینه ایجاد جبهه متحد ملی را فراهم سازد و ما به هدف بزرگ و مشترک ملی خود که قطع جنگ و خون ریزی و حراست از ذخایر معدنی ما می باشد نایل گردیم. اگر ما از همین حالا به اینکار اقدام نکنیم فردا ناوقت میشود. بزرگترین معادن ما به شرکت های خصوصی خارجی و داخلی فروخته میشود و در ما لکیت و حاکمیت ملی کشور ما شریک میشوند و مانند کشور های افریقایی منابع عظیم اقتصادی ما را تصاحب مینمایند و مردم افغانستان در داخل کشورشان بحیث مزدوران و نوکران شان تبدیل میشوند و شرکت های خارجی بر کشور ما مستقیم یا غیر مستقیم حکومت خواهند کرد و دولت های فغانستان آله دست شان خواهد بود، اگر تفرقه و نفاق در جامعه ما همچنان ادامه پیدا کند و ما موفق به ایجاد تفاهم و وحدت ملی شده نتوانیم:

مطالب فوق بحیث تحلیل اوضاع، نظر و پیشنهاد تقدیم است.

به امید ایجاد جبهه متحد ملی سراسری از طریق کمیته های صلح و همبستگی و سایر گروه ها، سازمانها، نیروها و شخصیت های صلح خواه، ترقی خواه و ملی افغانستان.

ط

این کار هم آسان است و هم مشکل. چون هدف بزرگ است نیروی بزرگ کار دارد. چون ما از صفر شروع میکنیم این کار در مراحل ابتدایی آن بسیار مشکل به نظر میرسد. اما با تدبیر، ایمانداری، پایداری و استقامت کارها آهسته آسان شده می‌رود. کارهای اجتماعی آسان هم نیست با همه مشکلات آن باید به پیش حرکت کرد. به این وسیله ما صدای صلح خود را به گوش افغانها در داخل و به

گوش همه مردم جهان میرسانیم که این ما نیستیم که نام تروریسم بما زده شده اند این دیگران هستند که بخاطر چور و چپاول معادن ما همراه با تروریسم یکجا آمده اند. ما میتوانیم از طریق وب سایت آرپایی نظرات، اندیشه و پیشنهادات خود را در زمینه به نشر برسانیم و زمینه تدارك چنین امر بزرگ ملي را فراهم بسازیم. در قدم اول باید اهداف مشترك ملي جبهه صلح و همبستگی معین و تثبیت شود تا مطابق آن راه و سمت حرکت و پلان کاری جبهه صلح و همبستگی معین شود و کارهای تبلیغاتی و آموزشی را در جوامع افغانی و براه بیاندازند تا ذهنیت ها برای ایجاد کمیته های صلح و همبستگی آماده گردد.

چشم امید جامعه ما بسوی قلم بدستان میباشد که با در نظر داشت اوضاع نابسمان افغانستان سافت ویر های دماغی خود را اپ دیت بسازند و از قدرت قلم کار گرفته در را ه وحدت ملي انرا بکار بیندازند.

أهح

جوانان که آینده از آنها هست باید در این کار پیشقدم شوند. ما نسل کهن دماغ و اندیشه های ما سنگ شده از محدوده اندیشه های کهن خود برآمده نمیتوانیم. کهنه سالان نو اندیش هم در کشور ما بسیار است که از کهنه اندیشان مجزا شود.